

# اهمیت اجرای قانون مالیاتها



از: محمد تقی نژاد عمران  
رئیس شورای عالی مالیاتی

دید نظریات اهمیت مالیات و نظام مالیاتی در سامین عدالت اجتماعی و توسعه و رشد اقتصادی و همچنین ضرورت آشنایی مسئولان شرکتهای تعاونی با تکالیف قانونی خود از جناب آقای محمد تقی نژاد عمران ریاست محترم شورای عالی مالیات در مقاله «اهمیت مالیات در این خصوص» در مجله «مقاله‌های جهت‌دار» در شماره «مجله فرار دادید» آمده است مسئولان محترم شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی از راهنمایی مفید مندرج در این مقاله بجزر مطلوب استفاده نمایند.

۳

ولذا تابع مطالبی است که مقدمتا " عرض شد. یعنی قوانین مالی و مالیاتی هم باید به درستی اجرا شود و بحث اصلی پیرامون همین موضوع است. قوانین مالیاتی معمولا" دو طرف اجراء دارد، یکی اشخاصی که موضوع و مصداق قانون هستند و قانون مالیاتها برای آنها تکالیفی را مقرر داشته است و دیگر ماموران تشخیص و وصول مالیاتها که ماموران دولت هستند و کار تشخیص و وصول مالیاتها را عهده‌دار می‌باشند.

اهمیت اجرای قانون مالیاتها از دو بعد، هم از بعد دولتی و هم از بعد مودیان و با در واقع مشمولان پرداخت مالیات مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

ابتداء بعد دولتی اجرای صحیح قانون مالیاتها:

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بخصوص در اصول سوم و چهل و

آن راه میل و خواست خود تعبیر و تفسیر نموده و اجراء کند موجب ایجاد هرج و مرج و نابسامانی و در نهایت سبب ناراضی در سطوح مختلف جامعه خواهد شد. ولی اگر قانون دارای عیب و نقص هم باشد اما مجزبان آن را بدون تعبیر و تفسیر خاص و در مورد همه به طور مساوی اعمال و اجراء نمایند اثرات عیب و نقص قانونی متوجه همه شده نهایتا " موجب آن می‌شود که قانونگذار در جهت اصلاح معایب آن برآید.

به عبارت دیگر اصل و مبناء باید این باشد که قانون به طور صحیح و یکسان در مورد همه اجراء و اعمال شود تا تعادل لازم در جامعه برقرار و عیوب و کاستی‌های قانون هرچه سریع تر مشخص و نسبت به رفع آن اقدام گردد.

قوانین مالی و مالیاتی هر کشور تاثیر قطعی و به سزائی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن کشور خواهد داشت

عموم فلاسفه و دانشمندان و محققین اجتماعی و حقوقدانان و کارشناسان سیاسی را عقیده بر این است که یکی از اصول مهم در پیشرفت هر جامعه‌ای ضوابط قانون‌گذاری و چگونگی اجرای قوانین و مقرراتی است که از طرف مراجع قانونگذار آن جامعه تصویب می‌شود. یعنی علاوه بر اینکه واضعین قانون همواره باید در تصویب قوانین کلیه شرایط جامعه را ملاحظه و مقررات را بر اساس تعمیم عدالت اجتماعی و پرهیز از تبعیض تدوین نمایند، مجریان قوانین نیز باید برای اجرای قانون از آموزش کافی بهره‌مند بوده و صلاحیت و قابلیت اجرای آن را به طور یکنواخت و مساوی در امور همگان داشته باشند و در اجرای قانون هیچگونه تبعیضی قایل نشوند زیرا اگر جز این باشد با فرض آنکه قانون بدون عیب و نقص باشد، همین که با تبعیض و به طور غلط اجراء شود و هر مجری

سوم وظایف بس سنگین و خطیری به عهده دولت محول گردیده که برای صرفه‌جویی در وقت از ذکر جزئیات آن خودداری می‌کنم و همین قدر اشاره می‌نمایم که قسمتی از این وظایف را تامین آموزش و پرورش رایگان و بهداشت و درمان و امنیت قضائی و خودکفائی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی تشکیل می‌دهد و برای اجرای وظایف مذکور نیاز به منابع مالی کافی دارد و در حال حاضر منابع مالی دولت عبارتند از:

(۱) درآمد حاصل از انفال (فروش نفت و سایر منابع زیرزمینی خدادادی)

(۲) مالیاتها

(۳) سایر درآمدها

منابع زیرزمینی یا انفال متعلق به یک نسل نبوده و نمی‌شود از آن به‌طور بی‌رویه استفاده نمود. مضافاً آن که اگر به آینده تسوچه نداشته باشیم و صرفاً برای تامین مخارج دولت نفت استخراج و در بازارهای بین‌المللی به فروش برسانیم این کار مقدور نخواهد بود، چون عملاً پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با حصر اقتصادی و تحریم خرید نفت از جمهوری اسلامی ایران مواجه شدیم و در دوران جنگ تحمیلی محدودیتهای استخراج و صدور نفت وجود داشته و نیز با کاهش قیمت نفت در اثر دسیسه و نیرنگ امپریالیستها روبرو شدیم و معلوم شد که دولت نباید صرفاً به درآمد تک محصولی نفت اکتفاء و برنامه‌ریزی خود را بر آن محور انجام دهد، بلکه درآمد نفت باید صرف کارهای زیربنائی و عمرانی که منشاء ایجاد درآمد برای کشور باشد بشود نه اینکه از محل فروش نفت فقط مخارج جاری مانند پرداخت حقوق معلمان آموزش و پرورش و کادر درمانی و بهداشتی و امور دفاعی و انتظامی و غیره را تامین نمود.

سایر درآمدهای دولت مانند درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت دولت و

درآمد حاصل از فروش کالا و خدمات و سود سرمایه‌گذاری‌ها در خارج از کشور بسیار محدود است و در بیشتر مواقع خدماتی که به عهده دولت محول است با تشکیل شرکتهای دولتی و از طریق آنها ارائه می‌شود که هدف از تشکیل آنها سودبری نیست، بلکه صرفاً "هدف ارائه خدماتی است که بخش خصوصی یا قادر به انجام آن نبوده و یا قانون اساسی اجازه چنین کاری را به آنها نداده است و یا اینکه انگیزه سودبری در آنها وجود ندارد و ناگزیر دولت در قالب شرکتهای آن خدمات را انجام می‌دهد و نمی‌تواند بهای واقعی خدمات را وصول کند، مانند خدمات آب و برق و تولید فرآورده‌های نفتی و امثال آنها و در نتیجه درآمد شرکتهای دولتی منابع مهم و قابل توجهی برای تامین درآمد دولت نیستند. از طرفی هزینه خدماتی که دولت برای امور انتظامی و قضائی مردم انجام می‌دهد بسیار بالا است و مبلغی که در مراجع قضائی و امور ثبتی از مراجعین وصول می‌کنند بسیار جزئی است. البته به عنوان نظر شخصی عرض می‌کنم که حتماً "لازم نیست هزینه قانون‌شکنان و مستنکفین از قانون و یا کسانی که از تسهیلات قانونی استفاده می‌کنند به‌بودجه دولت که متعلق به همه آحاد ملت است تحمیل گردد، بلکه باید هزینه مربوط از خودشان وصول شود. مثلاً "در دعاوی خصوصی که جریان شکایت در مراحل و مراجع مختلف طی می‌شود و چون هزینه زیاد ندارد مراحل رسیدگی تا آخرین مراجع عالی قضائی هم خواهد رسید و همین امر هزینه سنگینی را به دولت تحمیل می‌کند. با ادارات ثبت اسناد و املاک با صرف هزینه‌های زیاد در خدمت اشخاصی است که دارای ملک و املاک می‌باشند و از خدمات ثبتی استفاده می‌کنند، در صورتی که خیلی از اشخاص هستند که مراجعه‌ای به این اداره ندارند. لذا در مثال اول هزینه واقعی و آدرسی

باید از متخلف و یا شاکی حسب مورد و در مثال دوم از استفاده‌کنندگان از تسهیلات دولتی دریافت شود. با توضیحات فوق کمی از مطلب دور شدم. نتیجه می‌گیریم که سایر درآمدهای دولت نمی‌تواند نقش عمده و اساسی در تامین درآمد دولت داشته باشد. بنابراین با توجه به مطالبی که پیرامون درآمدهای انفال و سایر درآمدهای دولت داده شده نقش اصلی و مهم مالیاتها در تامین درآمد دولت برای مخارج دولت کاملاً روشن و آشکار می‌شود.

در کشورهای توسعه یافته و همچنین در کشورهای در حال توسعه که منابع زیر زمینی مثل کشور ما را ندارند درآمد مالیاتها نقش اساسی دارد. در بیشتر کشورها حدود ۸۰٪ درآمد دولت را مالیاتها تشکیل می‌دهد و این نسبت در کشور کره ۶۰٪ جنوبی در سال ۱۹۸۸ حدود ۹۴/۷ درصد بوده است. نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه یافته بین ۱۵ الی ۴۴ درصد است که ۴۴٪ مربوط به کشور هلند می‌باشد. از ۸۶ کشور در حال توسعه که توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مورد مطالعه قرار گرفته‌اند متوسط درآمد مالیاتی آنها به تولید ناخالص داخلی حدود ۱۵٪ می‌باشد که فقط در ۱۰ کشور از ۸۶ کشور مورد مطالعه این نسبت زیر ۱۰٪ بوده است.

ارغام ذکر شده همین این است که مالیاتها در جمهوری اسلامی ایران توانسته است، حتی سعی از هزینه‌های جاری دولت را تامین کند و دولت ناگزیر برای انجام مخارج خود متوسل به استغراض از سیستم بانکی شده است که همین امر سبب افزایش تورم و آسار نامطلوب اقتصادی و اجتماعی دیگر خواهد شد.

متوسط سهم مالیاتها به تولید ناخالص داخلی در چهار و پنجساله اخیر در جمهوری اسلامی ایران حدود ۶٪ می باشد و این نسبت با مقایسه با سایر کشورها کمترین مقدار است در سال ۱۳۶۶ حدود ۴۶/۵٪ درآمد دولت را مالیاتها تشکیل داده است و نسبت مالیاتها به پرداختهای اعتبارات جاری دولت ۴۵/۹٪ و نسبت به کل پرداختهای دولت اعم از اعتبارات جاری و عمرانی و دفاعی (جنگ) ۲۷/۸٪ بوده است. لازم به یادآوری است که کل مالیاتها در سنوات اخیر فقط توانسته حدود ۶۲٪ هزینه وزارتخانههای آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی را تامین کند. ارقام ذکر شده مبین این است که مالیاتها در جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است حتی نیمی از هزینههای جاری دولت را تامین کند و دولت ناگزیر برای انجام مخارج خود متوسل به استقراض از سیستم بانکی شده است که همین امر سبب افزایش تورم و آثار نامطلوب اقتصادی و اجتماعی دیگر خواهد شد. در صورتی که با بررسی و مطالعه و تحقیق پیرامون ظرفیت بالقوه مالیاتی کشور مشخص شد که ظرفیت بالقوه مالیاتی سالانه حدود ۲۳۰۰ میلیارد ریال می باشد و تاکنون حتی نصف ظرفیت مالیاتی در هر سال تحقق نیافته است. توجه به ارقام هزینههای جاری و نیز ظرفیت بالقوه مالیاتی کشور گویای آن است که اگر مالیاتها به طور صحیح وصول گردد قادر است هزینههای جاری دولت را تامین نماید.

نتیجتا عدم اجرای صحیح قوانین و مقررات مالیاتی از بعد دولتی آثار سوء و ضررهای زیر را دربردارد:

۱) دولت قادر نخواهد بود وظایفی را که قانون اساسی بعهده اش محول کرده است به طور کامل و به نحو احسن انجام دهد.

۲) هزینه وصول مالیاتها که درحقیقت تحمیل به بودجه دولت خواهد بود افزایش خواهد یافت چون وقتی مودیان به وظایف خود عمل نکنند، ماموران تشخیص مکلفند نسبت به مطالبه مالیات اقدام کنند و معمولا "پیوندها" تا آخرین مراحل مالیاتی را طی خواهند کرد و همین امر هزینه وصول را بالا خواهد برد.

۳) عدم پرداخت مالیات واقعی به موقع و تاخیر در پرداخت آن با توجه به کاهش ارزش پول، دولت را متضرر می نماید.

۴) وقتی دولت نتواند به حق قانونی خود در موعد مقرر برسد، با توجه به برنامه ریزیهای که هر سال در قانون بودجه می شود، در صورت عدم تحقق درآمد مالیاتی متوسل به استقراض برای تامین کسر بودجه می شود که همین امر سبب تشدید تورم و گرانی قیمتها و مسائل دیگر اقتصادی و اجتماعی خواهد شد.

۵) موجب عدم تعمیم عدالت اجتماعی و عدم توزیع عادلانه درآمد و عدم جلوگیری از تکاثر ثروت خواهد شد. البته عدم اجرای قانون از بعد دولت مسائل و مشکلات دیگری را در پی خواهد داشت که از ذکر جزئیات خودداری می شود.

## عدم اجرای صحیح قانون از بعد مودیان مالیاتی

اولا: "عدم اجرای تکالیفی که در قانون و آئین نامه های اجرائی تعیین شده است موجب تعلق جرائم خواهد شد و این موضوع تحمیل به مودیان خواهد بود. مخصوصا "اگر مودی شخص حقوقی باشد عدم اجرای قانون از طرف مسئولان و مدیران شرکت باعث ایجاد ضرر برای سهامداران و صاحبان سرمایه می شود.

ثانیا: "عدم اجرای قانون نسبت به مودیان که مکلف به نگهداری دفاتر قانونی هستند سبب رد دفاتر و تعلق جریمه خواهد شد که البته رد دفتر خود نوعی جریمه است. مثلا "اگر شرکتی زیان داشته باشد و زیان مورد پذیرش قرار گیرد این زیان با توجه به قانون جدید از درآمد سالهای بعد و هر سال ۱/۳ سود ابرازی تا استهلاك کامل قابل استهلاك خواهد بود. در قانون قبلی محدودیت سه ساله برای استهلاك زیان وجود داشته است. در صورتی که در قانون جدید چنین محدودیتی وجود ندارد درحالی که اگر دفاتر همین شرکت در اثر عدم رعایت ضوابط قانونی و یا عدم ارائه به موقع مردود تشخیص گردد نه تنها ضرر تأیید نمی شود و از درآمد سالهای بعد قابل استهلاك نیست بلکه برای همان سالی که





متحمل ضرر شده‌اند درآمد مشمول مالیات از طریق علی‌الراس تشخیص خواهد شد و علاوه بر مالیات جریمه تشخیص علی‌الراس حسب مورد تعلق خواهد گرفت.

ثالثاً: " در صورت عدم پرداخت مالیات قطعی شده مودی از تسهیلات ادارات و سازمانهای دولتی محروم خواهد شد و همچنین کارت بازرگانی و پروانه کسب و کار تمدید نمی‌شود و ضمن ممنوع‌الخروج شدن مودیان یا مدیران شرکت از کشور مدیران شرکت با شرکت در پرداخت دیون مالیاتی چه مالیات بر درآمد و چه مالیاتهای تکلیفی مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

رابعاً: " دیون مالیاتی مودیان مستتک با اعمال عملیات اجرائی و با ۱۰٪ کل بدهی اعم از اصل و جریمه وصول خواهد شد.

خامساً: " اجرای صحیح قانون باعث خواهد شد که ضمن عدم پرداخت جرائم و یا مالیات اضافی از تسهیلات خوش حسابی ۴٪ و یا ۵٪ سه سال متوالی برای قبولی دفاتر استفاده نماید و ضمن ادای به موقع دین برای دولت هزینه‌های اضافی ایجاد ننماید.

البته عدم اجرای صحیح قانون مالیاتهای بیشتر ناشی از عدم وجود فرهنگ صحیح مالیاتی و همچنین عدم آموزش کافی در زمینه اجرای قانون مالیاتهاست که تشکیل سمینارها و میزگردها و استفاده حداکثر از رسانه‌های گروهی و تهیه جزوات توجیهی مالیاتی و راهنمایی مودیان می‌تواند نقشی موثر و سازنده داشته باشد و در این زمینه بیشترین رسالت به عهده وزارت امور اقتصادی و دارائی است. در اینجا بی‌مناسبت نیست که در مورد وظایفی که از لحاظ مقررات مالیاتی به عهده مدیران اشخاص حقوقی است توضیحاتی داده شود. به طور اجمال وظایف مدیران شرکتها که شامل مدیران شرکتهای تعاونی هم می‌شود

البته عدم اجرای صحیح قانون مالیاتهای بیشتر ناشی از عدم وجود فرهنگ صحیح مالیاتی و همچنین عدم آموزش کافی در زمینه اجرای قانون مالیاتهاست که تشکیل سمینارها و میزگردها و استفاده حداکثر از رسانه‌های گروهی و تهیه جزوات توجیهی مالیاتی و راهنمایی مودیان می‌تواند نقشی موثر و سازنده داشته باشد و در این زمینه بیشترین رسالت به عهده وزارت امور اقتصادی و دارائی است.

در زیر آورده می‌شود.

۱) مدیران شرکتها در صورت شمول مالیات سالانه املاک و مالیات واحدهای مسکونی خالی و مالیات بر اراضی بایر باید اظهارنامه مالیاتی موضوع هر فصل را به‌طور جداگانه تنظیم و تا آخر اردیبهشت ماه سال بعد به حوزه مالیاتی مربوط که در مورد مالیات سالانه املاک حوزه مالیاتی اقامتگاه قانونی و در دو مورد دیگر حوزه مالیاتی محل وقوع ملک است تسلیم و مالیات متعلق را ظرف همین مدت پرداخت نمایند.

۲) در صورتی که ملکی در اجاره دارند هنگام پرداخت مال الاجاره مالیات متعلق را بر حسب دستورالعمل وزارت امور اقتصادی و دارائی که در روزنامه‌ها هم درج گردیده به قائم مقامی مالک کسر و ظرف ۱۰ روز بابت مالیات مالک به حساب وزارت امور اقتصادی و دارائی واریز نمایند.

۳) در اجرای مقررات ۳۴ و ۳۶ قانون مالیاتها مربوط به فصل ارث چنانچه اموالی از متوفی نزد خود دارند اعم از پول نقد و سفته و جواهرات و یا سهام یا سهم‌الشرکه صورت آن را ظرف یک ماه از تاریخ فوت به حوزه محل تسلیم دارند و تا ارائه گواهی پرداخت مالیات نسبت به آنها از تحویل و یا انتقال به وارث خودداری کنند.

۴) هنگام پرداخت وجوه مربوط به قراردادهای و حواله‌های موضوع ماده ۱۰۴ قانون جدید ۵٪ علی‌الحساب مالیات را کسر و ظرف ۳۰ روز به حساب وزارت امور اقتصادی و دارائی واریز کنند.

۵) ظرف مدت ۴ ماه از انقضای سال مالی اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان خود را تسلیم حوزه مالیاتی کنند و رسید دریافت دارند و ظرف همین مدت مالیات را بپردازند. در صورت پرداخت هر مقدار از مالیات در سررسید مقرر از ۴٪ بخشودگی نسبت به آن استفاده خواهند کرد.

۶) توجه داشته باشند که مثل گذشته سکوت در مقابل برگ تشخیص که به آن اعتراض دارند علامت اعتراض نیست، بلکه اگر به موقع که مدت آن یکماه از تاریخ ابلاغ می‌باشد اعتراض نسبت به برگ تشخیص تسلیم نشود مالیات قطعی خواهد شد. مودی در صورت اعتراض می‌تواند ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ برگ تشخیص به ممیز کل مراجعه و با ممیز و سرممیز رفع اختلاف نماید و در صورت عدم حصول توافق پیرونده به هیات حل اختلاف ارجاع خواهد شد.

۷) مدیران شرکتها در صورت اعتراض به رای هیات بدوی می‌توانند ظرف یکماه با پرداخت ۱۰٪ مالیات مورد رای به صورت قطعی یا سپرده به هیات حل اختلاف مالیاتی تجدیدنظر مراجعه نمایند.

۸) در صورتی که مدیران به آراء هیاتهای حل اختلاف در مرحله تجدید نظر اعتراض دارند می‌توانند به شورای عالی مالیاتی ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رای شکایت کنند. البته شکایت بشوری مانع وصول مالیات از طریق عملیات اجرائی نخواهد شد مگر اینکه سپرده یا تضمین معتبر داده شود و رد شکایت در شوری هم مشمول جریمه معادل ۵ در هزار مالیات مورد رای خواهد شد که حداکثر آن پنجاه هزار ریال است.

در خاتمه لازم می‌داند آئین‌نامه‌های پیش‌بینی شده در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۶۶ مجلس شورای اسلامی را به شرح زیر به اطلاع برساند.

(۱) آئین‌نامه موضوع تبصره ۴ ماده ۲ راجع به معافیت مالیاتی موقوفات عام و موسسات عام‌المنفعه که در جلسه مورخ ۶۸/۳/۲۷ هیات وزیران تصویب و ابلاغ شده است.

(۲) آئین‌نامه موضوع تبصره ذیل ماده ۶ در خصوص ضوابط استفاده از معافیت مالیات سالانه املاک نسبت به املاک اجاره‌ای. این آئین‌نامه در جلسه مورخ ۶۸/۲/۱۳ هیات وزیران تصویب و ابلاغ شده است.

(۳) آئین‌نامه موضوع بند ۳ ماده ۲۴ راجع به معافیت اموالی که مورد وقف یا حبس یا نذر واقع می‌شوند از مالیات بر ارث. این آئین‌نامه تاکنون به تصویب نرسیده و در جریان تصویب قرار دارد.

(۴) آئین‌نامه موضوع تبصره ذیل ماده ۳۳ موضوع تعیین میزان ماترک متوفی در کشورهای خارج توسط مأموران کنسولی. این آئین‌نامه در جلسه مورخ ۶۸/۲/۱۳ هیات وزیران به تصویب رسیده و ابلاغ گردیده است.

(۵) آئین‌نامه موضوع تبصره ۱ ماده ۹۵ راجع به نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر قانونی. این آئین‌نامه در تاریخ ۶۷/۱۲/۲۸ به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی رسیده و ابلاغ شده است.

(۶) آئین‌نامه موضوع بند الف ماده ۱۰۷ راجع به ضریب درآمد اشخاص حقوقی خارجی و موسسات مقیم خارج از ایران این آئین‌نامه تاکنون به تصویب نرسیده است.

(۷) آئین‌نامه موضوع تبصره ذیل ماده ۱۲۷ راجع به تعیین ضوابط استفاده از معافیت‌های مالیاتی درآمد اتفاقی. این آئین‌نامه به تصویب وزراء امور



اقتصادی و دارائی و کشور رسیده و ابلاغ شده است.

(۸) آئین‌نامه موضوع جزء ثانی " بند ب ماده ۱۳۸ راجع به نحوه واگذاری واحدهای مسکونی ایجاد شده توسط شرکت‌های تولیدی از محل درآمدهای معاف از مالیات. این آئین‌نامه به تصویب وزراء امور اقتصادی و دارائی و مسکن و شهرسازی و کار و امور اجتماعی رسیده و ابلاغ شده است.

(۹) آئین‌نامه موضوع جزء ب بند ۲ ماده ۱۴۸ موضوع نصاب هزینه سفر و فوایع العاده مسافرت مدیران و... این آئین‌نامه در جلسه مورخ ۶۸/۲/۱۳ هیات وزیران به تصویب رسیده و ابلاغ شده است.

(۱۰) آئین‌نامه موضوع ماده ۱۶۵ راجع به جبران خسارت وارده در مواقع حوادث و سوانح غیر مترقبه. این آئین‌نامه در جلسه مورخ ۶۸/۳/۲۰ هیات وزیران تصویب و ابلاغ گردیده است.

(۱۱) آئین‌نامه موضوع ماده ۱۷۶ راجع به وصول مالیات از طریق ابطال تبریر در دست اقدام است.

(۱۲) آئین‌نامه موضوع ماده ۱۸۱ راجع به بازدید و کنترل دفاتر مودیان. در دست اقدام است.

(۱۳) آئین‌نامه موضوع ماده ۲۱۸ موضوع وصول مالیات از طریق اعمال عملیات اجرائی این آئین‌نامه به تصویب وزراء امور اقتصادی و دارائی و دادگستری

رسیده و ابلاغ شده است.

(۱۴) آئین‌نامه موضوع ماده ۲۲۵ راجع به طرز انتخاب و ارتقاء مأموران تشخیص و مراجع مالیاتی این آئین‌نامه به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی رسیده و ابلاغ شده است.

(۱۵) جدول استهلاك موضوع ماده ۱۵۱ این جدول در جلسه مورخ ۶۸/۳/۲۰ هیات وزیران به تصویب رسیده و ابلاغ شده است.

(۱۶) ضوابط موضوع تبصره ۴ ماده ۱۳۸ راجع به معافیت مالیاتی کارخانجاتی که به خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتری مرکز تهران انتقال داده می‌شوند. این ضوابط توسط وزراء امور اقتصادی و دارائی و صنایع و صنایع سنگین تعیین و ابلاغ شده است.

(۱۷) ضوابط موضوع ماده ۶۹ راجع به معافیت اولین انتقال واحدهای مسکونی ارزان قیمت و متوسط قیمت. این ضوابط توسط وزراء امور اقتصادی و مسکن و شهرسازی تعیین و ابلاغ شده است.

(۱۸) فرم دفاتر درآمد و هزینه موضوع ماده ۹۵ توسط وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه و ابلاغ شده است.

(۱۹) نهادهای انقلاب اسلامی معاف از مالیات موضوع قسمت اخیر بند ۲ ماده ۲ در جلسه مورخ ۶۸/۳/۲۷ هیات وزیران به شرح زیر تعیین شده است.

۱ - دفتر تبلیغات قم

۲ - سازمان تبلیغات اسلامی

۳ - شورای عالی انقلاب فرهنگی

۴ - جهاد دانشگاهی

۵ - بنیاد شهید انقلاب اسلامی

۶ - کمیته امداد امام خمینی

۷ - بنیاد پانزده خرداد

۸ - بنیاد مستضعفان و امور جانبازان

۹ - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

والسلام

